

فرهنگ ایران در سمر و ترکان سلجوقی

دکتر عبدالکریم گلشنی
استاد دانشگاه پهلوی

در نیمه دوم قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) دو واقعه مهم تاریخی در جهان اسلام و مسیحیت بوقوع پیوست که تأثیر و اهمیت آنها چه در فرهنگ اسلامی و چه در تمدن مسیحیت درخور بررسی دقیق علمی و تحقیق همه‌جانبه است.

نخست فتح میدان ملاذگرد (منازکرت) بدست آلب ارسلان سلجوقی (۴۵۵/۱۰۶۳-۱۰۷۲/۴۶۵) بسال ۱۰۷۱/۴۶۳، که در نتیجه آن اساس حکومت و بنیان سرزمین ترکان در آسیای صغیر گذارده شد^۱ و کوچ‌نشینان مسلمان ترک و ترکمان بتدریج جای رومیان مسیحی را در آناتولی گرفتند و امپراطوری وسیع بیزانس تجزیه شد. دوم شروع جنگهای صلیبی بسال ۱۰۹۵/۴۸۸ که طی آن صلیبیون و مسلمین، پس از چند قرن مناظره و جدال، سرانجام سرنوشت خود را به حکمت جنگ سپردند.

در گریبهای شرق و غرب در خاور نزدیک و کشمکشهای ترکمانان سلجوقی و رومیان و امراء و فرمانروایان منطقه‌ای در آسیای صغیر و در پس آن هجوم اقوام مغول و تیمور، سبب گردید تا بعد از چهار قرن، عاقبت بسال ۱۴۷۱ تمام این خطه وسیع و حوزه بالکان بتصرف ترکان عثمانی که با فتح قسطنطنیه (۸۵۷ هـ. ق. / ۱۴۵۳ م.) صاحب اعتبار و اهمیت فوق‌العاده‌ای در جهان شده بودند، درآید.

منازعات سلاطین سلجوقی با فرمانروایان روم شرقی را شاید بتوان از نظر تاریخی، ادامه جنگهای ساسانیان با امپراطوری بیزانس محسوب کرد، با این تفاوت که:
اولاً - ایرانیان اگرچه این بار مستقیماً در اردو کشی‌ها شرکت نداشتند، اما فطانت سیاسی نظام‌الملک طوسی وزیر آلب ارسلان و اندیشه ایرانی، پیروزیهای نظامی ترکان را باعث گردید.

ثانیاً - بدنبال تسلط نظامی و سیاسی آل سلجوق، فتح نهائی و دائمی این سرزمین‌ها نصیب ایرانیان گردید، زیرا با ترویج زبان و شعر فارسی و اشاعه فرهنگ ایرانی توسط پادشاهان سلاجقه روم، ایرانیها توانستند، به نیروی قلم و فکر، این اراضی را بتصرف خود درآورند و حتی گاهی که بعضی از نواحی، به علل نظامی و سیاسی، از دست ترکان خارج میگردید، تا قرن‌ها، گزندی به زبان و ادب فارسی نمی‌رسید.

۱- اخیراً روز ۲۶ اوت ۱۹۷۱ (۴ شهریور ۱۳۵۰)، از طرف دولت جمهوری ترکیه نهمین سالروز بنیانگذاری سرزمین ترکیه اعلام گردید.

پیشتازی ترکان مسلمان در آسیای صغیر از این نظر نیز که مقارن با عقب‌نشینی و انحطاط مسلمین در اسپانیا است، برای تاریخ اسلام حائز اهمیت فراوان است چه اینکه از اواخر قرون وسطی، ترکان عثمانی توانستند چندین قرن بر سواحل شرقی و جنوبی دریای مدیترانه سیادت و حکومت کنند و رقیب خطرناک و سرسختی برای اروپای مسیحی باشند.

عثمانیان که پس از ظهور مغولان و سقوط بغداد و اضمحلال ایلخانیان و تیموریان در قرن بعد، قدرت نظامی و سیاسی سلاجقه روم و خاقان مغول و امراء محلی مناطق آسیای صغیر و خاور نزدیک را یکجا تصاحب کرده بودند، در قرن دهم (شازدهم) خلافت را نیز ضمیمه سلطنت کردند تا از قدرت روحانی هم عقب نمانده باشند.

از نتایج مهم دیگر فتح ملاذگرد، ایجاد حکومت سرزمین‌های ترك‌نشین در آسیای صغیر است که بوسیله قبایل مختلف کوچ‌نشینان ترك و ترکمانان تأسیس گردید. سلجوقیان که توانسته بودند اساس حکومت مرکزی قدرتمندان را در اناطولی بنیان گذارند و موجبات ترکی شدن کلیه این مناطق را فراهم نمایند، بیش از دو قرن در این خطه پهناور فرمانروائی کردند. اهم این حکومت‌ها عبارت بودند از:

آل ارتوق (بنی ارتق) که در اواخر قرن پنجم (بازدهم میلادی) دوشاخه از آن یکی در منطقه کیفا و دیگری در ماردین از ولایت دیاربکر تأسیس یافت. شاخه اولی در سال ۱۲۳۱/۶۲۹ بدست ایوبیان و آن دیگر به سال ۱۴۰۸/۸۱۱ توسط امرای ترکمن قراقرینلو منقرض گردید.

آل دانشمند (دانشمندیه) - این سلسله که امراء آن در جریان درگیریهای مسلمانان با صلیبیون، دخالت‌های مهمی داشتند، در نتیجه وجود اختلاف بین آنان و پادشاهان سلاجقه روم عاقبت بدست هم‌کیشان خویش از نیمه دوم قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) مضمحل شدند و قلمرو آنان بدست سلجوقیان افتاد.

بنی منگوچک - امیر منگوچک غازی رئیس این خاندان در سال ۱۰۷۲/۶۶۴ کمی بعد از فتح ملاذگرد، به فرمان الب ارسلان سلجوقی به حکمرانی ارزنجان منصوب گردید. فرزندانش که بعداً به دوشاخه تقسیم گردیدند تا اواسط قرن هفتم (سیزدهم میلادی) در ارزنجان و ایوریقی فرمانروائی داشتند.

ملك فخرالدین بهرامشاه بن داود (متوفی به سال ۶۲۲ هجری/۱۲۲۵ میلادی) یکی از نوادگان منگوچک است که امارت نسبتاً طولانی داشته است و سلطانی دانش‌دوست و ادب‌پرور بود. شاعر معروف ایران، جمال‌الدین الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌یی (متوفی در حدود سال ۶۱۴ هـ / ۱۲۱۷ م.) «کتاب مخزن الاسرار بنام او کرد»^۴ و بهرامشاه «به خدمتش تحفه فرستاد پنج هزار دینار و پنج استر رهوار جایزه فرمود»^۳.

بنی سلدوق (سلتوک) - این خاندان نیز از قبائل کوچ‌نشینان ترکمان بشمار می‌روند. سلدوق خود از عمال و کارگزاران دستگاه سلجوقی بود و فرزندان وی حدود یک قرن، از ۴۹۶ تا ۵۹۸ هجری در ارزنته‌الروم حکمروایی داشتند. آخرین امیر این طایفه، علاء‌الدین بن ملکشاه است که بدست رکن‌الدین سلیمان ثانی (متوفی سال ۶۰۰ هـ. ق. / ۱۲۰۴ م.) از سلاطین سلاجقه روم، از بین رفت.

سلجوقیان روم - الب ارسلان چندی پس از شکست رومانوس دیوجانس، امپراتور روم شرقی به سال ۴۶۵ هـ / ۱۰۷۲ م. در خوارزم کشته شد و پسرش ملکشاه سلجوقی جانشین وی گردید. سلطان جدید یکی از بنی‌اعمام خود سلیمان بن قنلمش را که در نبرد ملاذگرد نیز سهمی داشته است، به آسیای صغیر گسیل داشت. سلیمان در نتیجه پیشرفتهای نظامی و فتوحات سرزمین‌های امپراطوری بیزانس در سال ۴۷۰ هـ / ۱۰۷۷ م. از طرف دولت مرکزی ترکمانان سلجوقی به فرمانروائی این منطقه منصوب شد.

بدین ترتیب بنیان حکومت سلاجقه در روم گذارده شد. دوام این حکومت بمدت دوست و سی سال در آناتولی و آسیای صغیر برقرار بود. در این مدت طولانی هیچ‌کس از سلاطین خاندان سلجوقی حکمرانی نداشتند. کشمکشهای بیشمار و پراکنده‌ای که بین آنان و هم‌کیشان دیگر ترک و صلیبیون مسیحی و رومیان بیزانس و سایر فرمانروایان منطقه‌ای در گرفت زمانی قلمرو حکومت آنان را وسعت بخشید و به اعتبار قدرت ایشان افزایش داد و زمانی مرز جغرافیائی ممالک ایشان را را محدود کرد.

سلجوقیان روم در نیمه دوم قرن هفتم (سیزدهم)، که امپراطوری مغول قدرت فوق‌العاده‌ای یافته بود، عملاً دست‌نشانده ایلخانیان بودند. آنها با قبول ایلی از خاندان مغول، منطقه آسیای صغیر را بصورت پناهگاه امنی برای علماء و سخنورانی که ناگزیر از جلای وطن بودند، در آوردند. در حدود سال ۷۰۰ هجری/۱۳۰۰ میلادی دولت اقبال پادشاهان این سلسله به پایان رسید و از این زمان به بعد دیگر نام‌وشانی از آنان در صحنه سیاست و نبرد بچشم نمی‌خورد. در نیمه اول قرن هشتم (چهاردهم) ممالک و سرزمین‌های سلاجقه روم تجزیه شد و خاندان آل عثمان که اصلاً از قبایل ترک اغز بوده و در آغاز قرن هفتم پس از مهاجرت به آسیای صغیر و استخدام در دستگاه سلجوقیان، بر رقیبان و حریفان دیگر که دعوی قدرت‌نمایی و فرمانروائی داشتند، چیره شده بودند، سرانجام بر کلیه این اراضی دست یافتند و امپراطوری عثمانی را بنیاد نهادند.

رواج زبان فارسی

سلجوقیان بزرگ که از آغاز کار (۴۲۹ ه. ق. / ۱۰۳۸ م.)، فرمانبرداری و اطاعت از خلافت بغداد را پذیرفته بودند و در سیاست داخلی از نظام دیوانی سلف خود، غزنویان تبعیت میکردند، طبعاً زبان عربی را نیز بعنوان زبان دیپلوماسی امپراطوری خویش قبول داشتند. در این وقت کلیه دفاتر دیوانی و مکتوبات سلطانی این خاندان به تازی نوشته میشد. لیکن چون در آئین کشورداری و تدبیر جهانداری تجربه‌ای نداشتند تشکیلات وزارت و دیوان رسالت را به ایرانیان، که همیشه در این فنون مهارت و شایستگی خاصی را دارا بودند سپردند.

ابونصر عمیدالملک کندی (مقتول ۴۵۶ ه. ق. / ۱۰۶۴ م.) و ابوالحسن علی بن ابی‌الطیب الباخری (مقتول ۸ - ۴۶۷ ه. ق. / ۱۰۷۵ م.) که اولی وزیر و دومی دبیر دیوان رسالت سلطان طغرل (۴۲۹/۱۰۳۸ - ۴۵۵ ه. ق. / ۱۰۶۳ م.) و جانشین آل بارسالان (۴۵۵/۱۰۶۳ - ۴۶۵ ه. ق. / ۱۰۷۲ م.) بودند، از جمله ایرانیانی هستند که نه تنها در فن دبیری بلکه در لغت تازی نیز از استادان مسلم بشمار می‌روند.

محمد بن عمر الرادویانی (متوفی در اواخر نیمه دوم قرن پنجم هجری قمری «بازدهم میلادی») مصنف کتاب ترجمان البلاغه به زبان فارسی، «همه‌جا کلمه‌های (پارسیان) و (پارسی‌گویان) را در برابر (دبیران) به کار برده و بدینسان، دبیری را مرادف تازی گوئی آورده است»^۴.

از این روایت معلوم میشود که دیوان رسالت این خاندان تا عصر ملکشاه سلجوقی (۴۶۵/۱۰۷۲ - ۴۸۵ ه. ق. / ۱۰۹۲ م.) به عربی نوشته میشد و ظاهراً در اواخر سلطنت این پادشاه، به همت و مجاهدت وزیر اعظم خواجه نظام‌الملک طوسی (مقتول در سال ۴۸۵ ه. ق. / ۱۰۹۲ م.) به فارسی تغییر یافت.

در عهد سلطان سنجر سلجوقی (۵۱۱/۱۱۱۸ - ۵۵۲ ه. ق. / ۱۱۵۷ م.) مؤیدالملک منتخب‌الدین اتابک علی بن احمد جوینی (متوفی در حدود سال ۵۵۳ ه. ق. / ۱۱۵۸ م.) دبیر

۲ و ۳ - ناصرالدین حسین بن محمد مشهور به ابن بی بی، مختصر سلجوقنامه ابن بی بی، باهتمام م. ه. هوتسما، لایبن ۱۹۰۲ (چاپ عکسی)، ص ۲۲.
 ۴ - قاسم توپیرگانی - تاریخی از زبان تازی در میان ایرانیان پس از اسلام (انتشارات دانشگاهی عالی شماره ۳۹)، تهران ۱۳۵۰، ص ۲۸۷.

وصاحب دیوان رسالت، نامه‌های دیوانی را به فارسی مینوشته است. خوشبختانه مجموعه‌ای از این مکتوبات فارسی که باهتمام این منشی دانشمند ایرانی جمع‌آوری شده است بنام *عقبنه‌الکتبه* موجود است. این مجموعه صرفنظر از ارائه نمونه‌های نثر فارسی در فن ترسل و شیوه نامه‌نگاری در دوره سلجوقیان، حاوی نکات سودمند تاریخی و سیاسی این عصر نیز میباشد.^۵

زبان فارسی که برآستی جای خود را در تشکیلات اداری و سیاسی سلجوقیان پیدا کرده بود، کم‌کم توسعه یافت. مکتوبات و دفاتر دیوان و دبیری رسائل، باستان‌های نامه‌هایی که به دربار بغداد میرفت، از تازی به فارسی تبدیل گردید و توجه به شعر و ادب فارسی روزافزون شد. سلاطین سلجوقی به شنیدن و خواندن شعر فارسی علاقه زیادی نشان میدادند و حتی «برخی از پادشاهان این سلسله خود بزبان فارسی شعر میگفتند، مانند معزالدین و ناصرالدین ابوالحارث احمد سنجر بن ملکشاه (۵۱۱ - ۵۵۲) و محمد بن ملکشاه و سراسلیمان بن محمد (۵۵۵ - ۵۵۶) و آخرین پادشاه این خاندان طغرل بن ارسلان (۵۷۱ - ۵۹۰).^۶

باید اذعان کرد که فرهنگ ایرانی اسلامی روح و نشاط تازه‌ای به کالبد ترکمانان سلجوقی دمید. مدارس نظامیه، مساجد جامع، آثار تاریخی و هنری، شاهکارهای علمی و ادبی دانشمندان و سخنوران این عصر، سهم ایرانیان را در غنی ساختن فرهنگ متعالی اسلامی نشان میدهد.

در این میان دربار پادشاهان سلاجقه روم در آسیای صغیر گرایش بیشتری به کسب معارف و ثقافت ایرانی نشان میداد. در آنجا محیط سیاسی، هنری و ادبی رنگ ایرانی بخود گرفته بود. آئین کشورداری، و نظام دیوانی با تجربه و دانش ایرانی اداره میشد و نامه‌ها و فرامین درباری را به فارسی می‌نوشتند.

اگر سلجوقیان بزرگ علاقه شدیدی بداشتن اسامی و القاب عربی، نظیر رکن‌الدین ابوطالب طغرل و جلال‌الدین ابوالفتح (ملکشاه)، نشان میدادند، در مقابل سلاطین سلاجقه روم بیشتر نامه‌های پادشاهان قدیم ایران را بر خود مینهادند. *کیخسرو*، *کیکاووس*، *کیقباد*، *بهرامشاه*، *فرامرز* و

اسامی و عناوین این فرمانروایان و شاهزادگان، در کتابهای تاریخی سده‌های هفتم و هشتم هجری مکرر آمده‌است.^۷ وزیران و رجال این شاهان نیز غالباً ایرانی بودند، مردانی از بلاد طوس و تبریز و کاشان و دیلم و اصفهان.

سلجوقیان روم، تحت تأثیر معارف و تمدن ایرانی، شعراء و نویسندگان، معماران و هنرمندان را به خلق آثار نفیس تشویق میکردند. در این عهد، با توجه خاص پادشاهان و رجال درباری، فرهنگ ایرانی/اسلامی در منطقه آسیای صغیر به اوج تعالی و کمال خود دست یافت که بعدها ترکان عثمانی برای قوام و نظام امپراتوری پانصدساله خود از آن بهره‌ها گرفتند.

کاخ قبادآباد، پایتخت علاء‌الدین کیقباد اول (۱۲۱۹/۶۱۶ - ۶۳۴ ه. ق. ۱۲۳۷/۶۱۷). که اخیراً در یکصد کیلومتری قونیه توسط باستانشناسان ترک از زیر خاک بیرون آمده است، یادگاری از هنر و هنرمندی ایرانی است. دیوارهای تالار این کاخ با تصاویری از صحنه‌های رزمی شاهنامه فردوسی زینت گرفته است. شاید «اینها قدیمیترین تصاویری است که در آنها داستانهای شاهنامه موضوع نقاشی قرار گرفته است و علاوه بر اهمیتی که از جنبه هنری و تاریخ هنر دارد، از نظر بیان نفوذ حماسه ملی ایران در آن سرزمین حائز ارزش بسیاری است و سبب رواج آنهمه نامه‌های کیانی را روشن میکند».^۸

زبان فارسی چندین قرن زبان رسمی و درباری سلاجقه روم را تشکیل میداد. اصولاً در سده‌های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) زبان فارسی نه تنها زبان علمی و ادبی منطقه آسیای صغیر را تشکیل میداد، بلکه در بین طبقات مختلف مردم نیز دستیاران فراوانی داشت. کتابها و رسالات بیشماری را میشناسیم که طی این مدت در این حوزه وسیع به فارسی

تألیف شده است و در مقدمه اکثر این کتابها «تصریح گردیده که زبان فارسی بیش از عربی مفهوم عامه مردم آن دیار است»^۹.

سلاطین پارسی سرا و سرایندگان پارسی گو

در زیر فهرستی از بعضی سلاطین و شاهزادگان سلجوقیان روم که خود به فارسی شعر سروده‌اند و یا ممدوح گویندگان معاصر خویش بوده‌اند و همچنین معرفی برخی از شاعران پارسی گوی و تعدادی از تألیفات و آثار فارسی دانشمندان و علمای این عصر را با ذکر مأخذ می‌آورم. در تدوین این فهرست هیچ توجهی به زادگاه و ملیت شاعران و نویسندگان این دوره نشده است، بلکه مراد و منظور از ارائه آن فقط تأکید و تأیید بیشتر این نکته است که زبان فارسی در عهد این سلسله، خاصه در سده‌های ششم تا هشتم هجری قمری (دوازدهم تا چهاردهم میلادی) تا چه اندازه در آسیای صغیر رواج داشته است.

الف - این فهرست در چهار موضوع، به ترتیب زمان به شرح زیر، طبقه‌بندی شده است:

الف - بعضی از سلاطین و شاهزادگان سلاجقه روم که بفارسی شعر سروده‌اند.

ب - چند تن از پادشاهان و امیرزادگان شعر دوست این دودمان که ممدوح بعضی از گویندگان معاصر خویش بوده‌اند.

ج - گروهی از شاعران پارسی گوی عهد سلجوقیان روم در آسیای صغیر.

د - تعدادی از آثار و تألیفات فارسی دانشمندان و نویسندگان این عصر.

الف - بعضی از سلاطین و شاهزادگان سلاجقه روم که به فارسی شعر سروده‌اند

۱ - سلطان غیاث‌الدین کیخسرو اول * (۱۱۹۲/۵۸۸ - ۵۹۲ ه. ق. ۱۱۹۶/۵۸۸ م.)

و (۱۲۰۴/۶۰۱ - ۶۰۷ ه. ق. ۱۲۱۰/۶۰۱ م.) ، مثنوی ، مأخذ ابن بی‌بی^{۱۰}.

۵ - قدیمیترین اسناد و فرامین سلاطین به فارسی را ، تا قبل از حکومت ایلخانیان مغول در ایران (۱۲۵۶/۶۵۴ - ۷۵۴ ه. ق. ۱۳۵۳/۵۸۰ م.) ، فقط در مجموعه‌ها و آثاری نظیر منشآت دیوانی و مکتوبات درباری میتوان یافت. از دوره ایلخانیان به بعد ، اصل فرمان‌ها و نامه‌های فارسی پادشاهان موجود است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره رجوع کنید به مقدمه و بخش اول کتاب نفیس تحقیقاتی در باره نظام دیوانی ممالک اسلامی با دسترسی به اسناد ترکمانان و صفویان ، تألیف پروفسور هربرت بوسه ، خاورشناس محقق آلمانی :

Heribert Busse: Untersuchungen zum islamischen Kanzleiwesen an Hand turkmenischer und safawidischer Urkunden. Kairo 1959.

۶ - سعید نفیسی ، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، جلد اول ، تهران ۱۳۴۴ ، ص ۸۰.

۷ - رجوع شود به آثار نویسندگانی چون :

نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد الزاوندی ، راحته الصدور و آیه‌السرور «تألیف حدود سال ۵۹۹ ه.». «شهاب‌الدین محمد بن احمد بن علی بن محمد منشی خرنندزی نسوی ، سیرة جلال‌الدین مینکبرنی تألیف به عربی «سال ۶۳۹ ه.». ناصرالدین حسین بن محمد بن علی الجعفری الرعدی مشهور به «ابن البیبی المنجمه» الاوامر العلامیه فی الامور العلامیه و ملخص آن مختصر سلجوقنامه «تألیف حدود سال ۶۸۰ ه.». خواجه کریم‌الدین محمود بن محمد آقسرائی ، مسامرة الاخبار و مسامرة الاخیار «تألیف در سال ۷۲۳ ه.». حمدالله مستوفی قزوینی ، تاریخ گردیده «تألیف به سال ۷۳۰ ه.». ؟ ، تاریخ آل سلجوق در آناتولی «تألیف بسال ۷۶۵ ه.». .

۸ - محمد امین ریاحی ، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی ، انتشارات امیرکبیر ، تهران

۱۳۵۰ ، ص ۸.

۹ - ایضاً ، (باستناد مقاله شادروان پروفسور احمد آتشی استاد ایرانشناس ترك .

A. Ates, "Hicri VI-VIII asirlarında Anadolu'da farsca eserler", *Turkiyat mecmuasi* C VII-VIII, cuz 11, S. 94-135).

* (ارقام و حروف داخل پرانتز نشان‌دهنده سالهای سلطنت به هجری قمری و معادلش به میلادی است)

۱۰ - ناصرالدین حسین بن محمد «ابن بی‌بی» ، الاوامر العلامیه فی الامور العلامیه ، ص ۹۱.

- ۲ - سلطان رکن‌الدین سلیمان دوم (۱۱۹۶/۵۹۲ - ۱۲۰۴/۶۰۰) ، رباعی ، مأخذ ابن بی‌بی^{۱۱} .
- ۳ - شاهزاده ملک ناصرالدین برکیارق‌شاه ، منظومه حورزاد و پریزاد ، مأخذ ابن بی‌بی^{۱۴} .
- ۴ - سلطان عزالدین کیکاوس اول (۱۳۱۰/۶۰۷ - ۱۳۲۰/۶۱۷) ، دوبیتی ، مأخذ ابن بی‌بی^{۱۳} .
- ۵ - سلطان علاء‌الدین کیتباد اول (۱۲۱۹/۶۱۶ - ۱۲۳۷/۶۳۴) ، رباعی ، مأخذ ابن بی‌بی^{۱۴} .
- ۶ - شاهزاده ملک علاء‌الدین داودشاه ، دوبیتی ، مأخذ ابن بی‌بی^{۱۵} .

ب - چندتن از پادشاهان و امیرزادگان شعر دوست این دودمان که ممدوح بعضی از گویندگان معاصر خویش بوده‌اند .

- ۱ - سلطان رکن‌الدین سلیمان دوم (متوفی بسال ۶۰۰ هـ . ق . ۱۲۰۳ م .) ، گوینده ظهیرالدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی (۱۲۰۱-۲/۵۹۸) ، قصیده ، مأخذ ابن بی‌بی^{۱۶} .
- ۲ - سلطان غیاث‌الدین کیخسرو اول (۱۲۱۱/۶۰۷) ، گوینده نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی (حدود ۱۲۰۶/۶۰۳) ، قصیده ، مأخذ راوندی^{۱۷} .
- ۳ - سلطان غیاث‌الدین کیخسرو اول ، گوینده صدرالدین محمد بن مجدالدین اسحق قونیوی (۱۲۷۴/۶۷۳) ، چکامه ، مأخذ مشکور^{۱۸} .
- ۴ - سلطان عزالدین کیکاوس اول (۱۲۲۰/۶۱۷) ، گوینده دختر حسام‌الدین سالار حکمران موصل (قرن هفتم/سیزدهم) ، قصیده (ترکیب بند) مأخذ ابن بی‌بی^{۱۹} .
- ۵ - سلطان عزالدین کیکاوس اول ، گوینده نظام‌الدین احمد ارزنجانی (قرن هفتم/سیزدهم) ، قصیده ، مأخذ ابن بی‌بی^{۲۰} .
- ۶ - ملک فخرالدین بهرامشاه بن داود (۱۲۲۵/۶۲۲) ، گوینده جمال‌الدین الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌یی (حدود ۱۲۱۷/۶۱۴) ، مخزن الاسرار ، مأخذ ابن بی‌بی^{۲۱} .
- ۷ - سلطان علاء‌الدین کیتباد اول (۱۲۳۷/۶۳۴) ، گوینده نظام‌الدین احمد ارزنجانی (قرن هفتم/سیزدهم) ، فتننامه ، مأخذ مشکور^{۲۲} .
- ۸ - سلطان علاء‌الدین کیتباد اول ، گوینده بهاء‌الدین احمد بن محمود قانع طوسی (بعد از ۱۲۷۳/۶۷۲) ، سلجوقنامه «منظوم» ، مأخذ صفا^{۲۳} .
- ۹ - سلطان غیاث‌الدین کیخسرو دوم (۱۲۴۵/۶۴۳) ، گوینده بهاء‌الدین احمد بن محمود قانع طوسی ، سلجوقنامه «منظوم» ، مأخذ صفا^{۲۴} .
- ۱۰ - سلطان عزالدین کیکاوس دوم (۱۲۵۷/۶۵۵) ، گوینده بهاء‌الدین احمد بن محمود قانع طوسی ، کلیله و دمنه «منظوم» ، مأخذ صفا^{۲۵} .
- ۱۱ - ملک محیی‌الدین مسعود شاه ، گوینده ابوحنیفه عبدالکریم بن ابی‌بکر ، مجمع الرباعیات ، مأخذ ریاحی^{۲۶} .
- ۱۲ - سلطان غیاث‌الدین کیخسرو سوم (۱۲۸۳/۶۸۱) ، گوینده ناصرالدین حسین بن محمد مشهور به ابن‌البی‌بی المنجمه (اواخر قرن هفتم/سیزدهم) ، شاهنامه ، مأخذ مشکور^{۲۷} .

ج - گروهی از شاعران پارسی‌گوی عهد سلجوقیان روم در آسیای صغیر

- ۱ - نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی (حدود ۱۲۰۶/۶۰۳) ، قصیده مدحیه ، مأخذ راوندی^{۲۸} .

- ۲ - سعدالدین محمد بن مؤید بن ابی بکر حموی (۱۲۵۲/۶۵۰) ، اشعار فارسی ، مأخذ نفیسی^{۳۹} .
- ۳ - نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد رازی معروف به «دایه» و متخلص به «نجم» (۱۲۵۶/۶۵۴) ، اشعار عارفانه . مأخذ صفا^{۴۰} .
- ۴ - مولانا جلال الدین محمد بن بهاء الدین بلخی «مولوی» (۱۲۷۳/۶۷۲) ، مثنوی ، دیوان شمس تبریزی ، مأخذ صفا^{۴۱} .
- ۵ - بهاء الدین احمد بن محمود قانعی طوسی (بعد از ۱۲۷۳/۶۷۱) ، منظومه سلجوقنامه ، منظومه کلیده و دمنه ، مأخذ صفا^{۴۲} .
- ۶ - نصیر الدین محمد بن ابراهیم سیواسی (بعد از ۱۲۷۲/۶۷۱) ، مونس العوارف (در معجزات و معراج پیامبر ص) ، مأخذ نفیسی^{۴۳} .
- ۷ - فخر الدین ابراهیم بن بزرجمهر عراقی (۱۲۸۹/۶۸۸) ، دیوان شعر ، مأخذ صفا^{۴۴} .
- ۸ - ناصر الدین حسین بن محمد بن علی مشهور به ابن البیسی (اواخر قرن هفتم/ سیزدهم) ، شاهنامه ، مأخذ مشکور^{۴۵} .
- ۹ - صاحب مجد الدین ابی بکر (قرن هفتم/ سیزدهم) ، دوینتی ، مأخذ ابی بی بی^{۴۶} .
- ۱۰ - شمس الدین حمزه بن المؤید الطغرائی (قرن هفتم/ سیزدهم) ، رباعی ، مأخذ ابن بی بی^{۴۷} .

- ۱۱ - همانجا ، ص ۵۹ .
- ۱۲ - ناصر الدین حسین بن محمد «ابن بی بی» همانجا ، ص ۲۲ .
- ۱۳ - همانجا ، ص ۱۹۹ .
- ۱۴ - همانجا ، ص ۲۲۸ .
- ۱۵ - همانجا ، ص ۳۵۸ .
- ۱۶ - ناصر الدین حسین بن محمد «ابن بی بی» ، همانجا ، ص ۶۱ .
- ۱۷ - نجم الدین ابوبکر محمد راوندی ، راحة الصدور وآية السرور ، بسعی و تصحیح محمد اقبال ، تهران ۱۳۳۳ ، ص ۷ - ۶۶ .
- ۱۸ - محمدجواد مشکور ، اخبار سلاجقه روم ، مقدمه (فصل سوم) ، ص نود و چهار .
- ۱۹ - ناصر الدین حسین بن محمد «ابن بی بی» ، همانجا ، ص ۶ - ۱۲۲ .
- ۲۰ - ابن بی بی ، همانجا ، ص ۷ - ۱۲۶ .
- ۲۱ - ایضاً ، همانجا ، ص ۲ - ۷۱ .
- ۲۲ - محمدجواد مشکور ، همانجا ، مقدمه (فصل اول) ، ص بیست و هفت .
- ۲۳ - ذبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران ، جلد سوم (بخش ۱) ، ص ۵۰۶ - ۴۸۷ .
- ۲۴ - ایضاً ، همانجا .
- ۲۵ - ذبیح الله صفا ، همانجا .
- ۲۶ - محمد امین ریاحی ، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی ، ص ۱۲ و ۲۹ .
- ۲۷ - محمدجواد مشکور ، همانجا ، ص بیست و چهار .
- ۲۸ - نجم الدین ابوبکر محمد راوندی ، راحة الصدور ، ص ۹ - ۴۵۸ و ۷ - ۶۶۴ .
- ۲۹ - سعید نفیسی ، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، ج اول ، ص ۱۱۶ .
- ۳۰ - ذبیح الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۲) ، ص ۳ - ۱۱۹۲ .
- ۳۱ - ایضاً ، همانجا ، ج سوم (بخش ۱) ، ص ۸۶ - ۴۴۸ .
- ۳۲ - ذبیح الله صفا ، همانجا ، ص ۵۰۶ - ۴۸۷ .
- ۳۳ - سعید نفیسی ، همانجا ، ص ۲ - ۱۵۱ .
- ۳۴ - ذبیح الله صفا ، همانجا ، ص ۸۴ - ۵۶۷ .
- ۳۵ - محمدجواد مشکور ، همانجا ، مقدمه (فصل اول) ، ص بیست و چهار .
- ۳۶ - ناصر الدین حسین بن محمد «ابن بی بی» ، همانجا ، ص ۱ - ۲۰۰ .
- ۳۷ - ایضاً ، همانجا .

- ۱۱ - نظام‌الدین احمد ارزنجانی ، (قرن هفتم/سیزدهم) ، قصیده رباعی ، مأخذ ابن بی‌بی^{۳۸} .
- ۱۲ - جلال‌الدین قاضی ورکانی ، (قرن هفتم/سیزدهم) ، قصیده ، مأخذ ابن بی‌بی^{۳۹} .
- ۱۳ - صاحب شمس‌الدین محمد اصفهانی ، (قرن هفتم/سیزدهم) ، قصیده ، مأخذ ابن بی‌بی^{۴۰} .
- ۱۴ - ابوبکر بن زکی المتطیب القونیوی ملقب به صدر ، (۵/۶۹۴ - ۱۲۹۴) ، قصیده ، مأخذ درخشان^{۴۱} .
- ۱۵ - یوسفی ارزنجانی ، (بعد از ۱۳۰۰/۶۹۹ - ۱۲۹۹) ، منظومه خاموش‌نامه ، مأخذ ریاحی^{۴۲} .
- ۱۶ - ناصری سیواسی ، (بعد از ۱۳۰۰/۶۹۹ - ۱۲۹۹) ، منظومه فتوت‌نامه ، مأخذ صفا^{۴۳} .
- ۱۷ - سیف‌الدین ابوالمحمّد محمدالفرغانی آقسرائی ، (بعد از ۷۰۵/۱۳۰۵) ، دیوان شعر ، مأخذ صفا^{۴۴} .
- ۱۸ - بهاء‌الدین محمد (احمد) بن جلال‌الدین محمد معروف به سلطان ولد (۷۱۲/۱۳۱۲) مثنوی ولدنامه ، دیوان قصائد ، مأخذ سلطان ولد^{۴۵} .
- ۱۹ - شمس‌الدین احمد افلاکی (۶۰/۷۶۱ - ۱۳۵۹) ، اشعار فارسی ، مأخذ صفا^{۴۶} .
- د - تعدادی از آثار و تألیفات فارسی دانشمندان و نویسندگان این عصر
- ۱ - شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی سهروردی ، (شیخ اشراق) ، (مقتول ۵۸۷/۱۱۹۱) ، پرتونامه ، ملک ناصرالدین برکیارق شاه ، مأخذ ابن بی‌بی^{۴۷} .
- ۲ - شرف‌الدین ابوالفضل حبیب‌بن ابراهیم تفسلی (۱۲۰۳/۶۰۰) ، کامل‌التعبیر ، قلیچ ارسلان بن مسعود ، مأخذ نفیسی^{۴۸} .
- ۳ - نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان راوندی (حدود ۶۰۳/۱۲۰۶) ، راحة‌الصدور و آية‌السرور ، غیاث‌الدین کیخسرو اول ، مأخذ راوندی^{۴۹} .
- ۴ - محمد بن غازی ملطیوی (بعد از ۶۰۶/۱۲۰۹) ، روضة‌العقول (ترجمه مرزبان‌نامه مرزبان بن رستم از طبری) ، به‌تشویق رکن‌الدین ، سلیمان دوم ، مأخذ صفار^{۵۰} .
- ۵ - سعد‌الدین وراوینی (بعد از ۶۲۲/۱۲۲۵) ، مرزبان‌نامه (ترجمه‌ای دیگر از مرزبان‌نامه مرزبان بن رستم) ، خواجه ابوالقاسم ربیب‌الدین هارون ، مأخذ صفا^{۵۱} .
- ۶ - بهاء‌الدین محمد بن حسین بلخی «بهاء ولد» (۱/۶۲۸ - ۱۲۳۰) ، کتاب‌المعارف ، مأخذ نفیسی^{۵۲} .
- ۷ - سعد‌الدین محمد بن مؤید بن ابی‌بکر حموی (۱۲۵۲/۶۵۰) ، سکینه‌الصالحین ، مأخذ نفیسی^{۵۳} .
- ۸ - نجم‌الدین ابوبکر عبدالله رازی «دایه» (۱۲۵۶/۶۵۴) ، مرصاد‌العباد من المبدء الی‌المعاد ، علاء‌الدین کیقباد اول ، مأخذ رازی^{۵۴} .
- ۹ - نصیر‌الدین محمد بن ابراهیم ساعتی سیواسی (بعد از ۶۷۱/۱۲۷۲) ، دقائق‌الحقایق ، مأخذ نفیسی^{۵۵} .
- ۱۰ - جلال‌الدین محمد بن بهاء‌الدین بلخی رومی «مولوی» (۱۲۷۳/۶۷۲) ، فیه مافیہ ، مأخذ صفا^{۵۶} .
- ۱۱ - صدر‌الدین محمد بن مجد‌الدین اسحق قونیوی (۱۲۷۴/۶۷۳) ، تبصرة‌المبتدی و تذکرة‌المنتهی ، مأخذ صفا^{۵۷} .
- ۱۲ - ناصر‌الدین حسین بن مجد‌الدین محمد «ابن‌البی‌المنجمه» (بعد از ۶۸۰/۱۲۸۱) ، الاوامر‌العلائیه فی‌الامور‌العلائیه ، علاء‌الدین کیقباد ، مأخذ ابن بی‌بی^{۵۸} .
- ۱۳ - سراج‌الدین محمود بن ابی‌بکر احمد ارموی (۱۲۸۳/۶۸۲) ، لطایف‌الحکمه ،

- ۱۴ - شمس‌الدین محمدبن قاضی امین‌الدین دنیسری (بعداز ۶۸۲/۱۲۸۳) ، نوادر التبادر لتحفة البهادر ، مأخذ صفا^{۶۰} .
- ۱۵ - محمدبن محمدبن محمود خطیب (بعداز ۶۸۳/۱۲۸۴) ، فسطاط‌العداله فی قواعد السلطنه ، مأخذ ریاحی^{۶۱} .
- ۱۶ - بدرالدین نخشبی رومی (بعداز ۶۸۴/۱۲۸۵) ، الترسل الی التوسل ، مأخذ نفیسی^{۶۲} .
- ۱۷ - حسن بن عبدالمؤمن خوئی (بعداز ۶۹۰/۱۲۹۱) ، غنیه‌الکاتب و منیه‌الطالب ، مأخذ درخشان^{۶۳} .
- ۱۸ - ابوبکر بن زکی‌المتطیب‌التونیوی (صدر) (۵/۶۹۴ - ۱۲۹۴) ، روضة‌الکتاب و حدیقه‌الالباب ، مأخذ درخشان^{۶۴} .
- ۱۹ - ناصری سیواسی (بعداز ۶۹۹/۱۲۹۹) ، کتاب‌الاشراق ، مأخذ صفا^{۶۵} .

- ۳۸ - ایضاً ، همانجا ، ص ۷ - ۱۲۶ و ۲۰۲
- ۳۹ - ایضاً ، همانجا ، ص ۶-۵۷۴ .
- ۴۰ - ایضاً ، همانجا ، ص ۸۰-۵۷۹
- ۴۱ - مهدی درخشان ، «نثر زبان فارسی در ترکیه و شناسانیدن چند کتاب» ، مجموعه سخنرانیهای دومین کنگره تحقیقات ایرانی ، (مشهد ، ۱۱ تا ۱۶ شهریورماه ۱۳۵۰) جلد اول ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد ، ص ۱۰۰ .
- ۴۲ - محمد امین ریاحی ، همانجا ، ص ۱۷
- ۴۳ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۱) ، ص ۶۶۰ - ۶۵۹
- ۴۴ - ایضاً ، همانجا ، ص ۴۵ - ۶۲۳
- ۴۵ - بهاء‌الدین محمدبن جلال‌الدین سلطان ولد ، ولدنامه ، به تصحیح جلال‌الدین همائی ، چاپ اقبال ، تهران ۱۳۱۵ هـ . ش
- ۴۶ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۲) ، ص ۱۲۸۵ .
- ۴۷ - ناصرالدین حسین ... ابن بی‌بی ، الاوامر العلالیه ... ص ۲۵
- ۴۸ - سعید نفیسی ، همانجا ، ج اول ، ص ۱۲۸
- ۴۹ - نجم‌الدین ابوبکر ... راوندی ، راحة‌الصدور ... ، ص ۶۳-۵۷
- ۵۰ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج دوم ، ص ۵ - ۱۰۰۳
- ۵۱ - ایضاً ، ص ۸ - ۱۰۰۵
- ۵۲ - سعید نفیسی ، همانجا ، ص ۱۲۱
- ۵۳ - ایضاً ، ص ۱۱۶
- ۵۴ - نجم‌الدین ابوبکر ... رازی ، مرصادالعباد ، ص ۱۷
- ۵۵ - سعید نفیسی ، همانجا ، ص ۲ - ۱۵۱
- ۵۶ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۱) ، ص ۸۶ - ۴۲۸
- ۵۷ - ایضاً ، ج سوم (بخش ۲) ، ص ۱۳۱۶
- ۵۸ - ناصرالدین حسین ابن بی‌بی ، الاوامر العلالیه ، ص ۱۱
- ۵۹ - سعید نفیسی ، همانجا ، ص ۱ - ۱۵۰
- ۶۰ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۲) ، ص ۱۳۱۷
- ۶۱ - محمد امین ریاحی ، همانجا ، ص ۱۶
- ۶۲ - سعید نفیسی ، همانجا ، ص ۱۵۱
- ۶۳ - مهدی درخشان ، همانجا ، ص ۳ - ۱۰۲
- ۶۴ - مهدی درخشان ، همانجا ، ص ۱ - ۱۰۰
- ۶۵ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۱) ص ۶۵۹

- ۳۰ - قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی «علامه» (۱۳۱۰/۷۱۰) ، درة التاج
لغرة الدباج ، اميردباج ازملوك اسحاقيه گيلان ، مأخذ صفا^{۶۶} .
- ۲۱ - بهاء‌الدین محمد (احمد) بن جلال‌الدین محمد «سلطان ولد» (۱۳۱۲/۷۱۲) ،
مأخذ نفیسی^{۶۷} .
- ۲۲ - فریدون بن احمد سہسالار (اوایل قرن هشتم/چهاردهم) ، رساله در تصوف ،
مأخذ صفا^{۶۸} .
- ۲۳ - کریم‌الدین محمود بن محمد آقسرائی (بعد از ۷۲۳/۳-۱۳۲۳) ، مسامرة الاخيار
ومسایرة الاخيار ، امیر تیمورتاش بن امیر چوپان ، مأخذ صفا^{۶۹} .
- ۲۴ - قاضی احمد ختنی (بعد از ۷۳۳/۳-۱۳۳۲) ، الولدا الشفيق والمحافظ الخليق ،
مأخذ درخشان^{۷۰} .
- ۲۵ - امیر بن خضر مالی قرمانی مولوی (بعد از ۷۵۶/۱۳۵۵) ، کنزالتحف ، مأخذ
نفیسی^{۷۱} .
- ۲۶ - شمس‌الدین احمد افلاکی عارفی (۶۰/۷۶۱ - ۱۳۵۹) ، مناقب العارفين ،
مأخذ صفا^{۷۲} .
- ۲۷ - ؟ ؟ (بعد از ۷۶۵/۶۰ - ۱۳۵۹) ، تاريخ آل سلجوق (الآثار المولودية
فی ادوار السلجوقيه) ، مأخذ درخشان^{۷۳} .
- ۲۸ - جمال‌الدین محمد آقسرائی (بین ۸۰ - ۸۷/۷۷۰ - ۱۳۶۸) ، اسئلة واجوبه ،
مأخذ ریاحی^{۷۴} .



- ۶۶ - ايضاً ، ج سوم (بخش ۲) ، ص ۱۲۲۹
- ۶۷ - سعيد نفیسی ، همانجا ، ص ۱۹۹
- ۶۸ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۲) ، ص ۴ - ۱۲۵۲ .
- ۶۹ - ايضاً ، همانجا ، ص ۶ - ۱۲۵۵
- ۷۰ - مهدی درخشان ، همانجا ، ص ۹۷
- ۷۱ - سعيد نفیسی ، همانجا ، ص ۱۹۴
- ۷۲ - ذبیح‌الله صفا ، همانجا ، ج سوم (بخش ۲) ، ص ۵ - ۱۲۸۲
- ۷۳ - مهدی درخشان ، همانجا ، ص ۹۶
- ۷۴ - محمد امین ریاحی ، همانجا ص ۱۳